

نیروی انتظامی باید به نیروهایش آموزش می‌داد که ما را کتک زنند و موظف است نظم را برقرار کند نه اینکه با چماق مردم را بزند. ۱۷ جای شکسته روی سر من وجود دارد آنها اول چندین ضربه به من وارد کردند و باعث عصبانیت من شدند.

اتهامات انتسابی را قبول ندارم؛



به گزارش اسپادانا خبر، در ادامه رسیدگی به پرونده متهم عامل شهادت سه مامور نیروی انتظامی در قاتله خیابان پاسداران تهران که صبح امروز در دادگاه کیفری ۱ برگزار شد، اردشیر سبحانی نماینده حقوقی نیروی انتظامی تهران بزرگ و وکیل خانواده شهیدان رضا امامی، محمدعلی بایرامی و رضا مرادی علمدار با حضور در جایگاه گفت: با توجه به اقرار سریع، عمدی بودن، اخلاق در نظم متهم که در لایحه به دادگاه ارائه شده است از طرف خانواده و فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ اشد مجازات برای متهم را از دادگاه خواستارم.

وی ادامه داد: در این واقعه مومن‌ترین و بااخلاق‌ترین جوانان که مظلومانه و بدون سلاح برای جلوگیری از وقوع درگیری و تعرض به درویش در صحنه حاضر شده بودند، به شهادت رسیدند. این افراد می‌توانستند با سلاح در آن واقعه حضور داشته باشند اما بدون سلاح و برای امنیت مردم در آن حادثه حضور داشتند.

نماینده حقوقی نیروی انتظامی با اشاره به شهادت این حادثه گفت: شهید بایرامی ۲۳ سال سن داشت و ۴۰ روز از نامزدی‌اش می‌گذشت او هنوز طعم شیرین ازدواج را درک نکرده بود و سه ماه و اندی بود که در نیروی انتظامی خدمت می‌کرد. این شهید بدون سلاح در محل حادثه بود و خود آسیب دید تا کسی آسیب نبیند. او از اقبال مستضعف و از پدر و مادری کارگر بود.

سبحانی با اشاره به شهید امامی گفت: شهید امامی ۲۱ سال سن داشت و با شوق و انگیزه در نیروی انتظامی خدمت می‌کرد اگر چه مدت خدمت این شهید در نیروی انتظامی کوتاه بود اما او از پرسنل خوش اخلاق و با ایمان نیروی انتظامی بود. شهید امامی از اقبال کم درآمد و از قشر کارگر جامعه بود.

وی درخصوص شهید مرادی هم گفت: شهید مرادی با ۱۹ سال سن در لباس شریف سربازی در محل حادثه حضور داشت او از خانواده‌ای زحمتکش بود که قصد داشت پس از پایان خدمت به کمک خانواده برود. این شهید بدون سلاح سرد و گرم در محل حادثه حضور داشت تا کسی آسیب نبیند.

سبحانی خطاب به قاضی دادگاه گفت: آیا پاسخ خدمت صادقانه این است که با اتوبوس زیر گرفته شوند و حتی اجساد آنها به سختی شناسایی شود. متهم که خود را به درویش وابسته می‌داند اگرچه درویش از او تبری جستند دارای شخصیتی مشکل‌دار است و از لحاظ اجتماعی جایگاهی ندارد. او دو طلاق و جدایی را در زندگی خود تجربه کرده و مدتی بود که در اتوبوس زندگی می‌کرده است.

نماینده حقوقی نیروی انتظامی خاطرنشان کرد: من با نمایندگی از فرماندهی تهران بزرگ و وکالت از خانواده شهدا تقاضای اشد مجازات را برای متهم خواستارم.

در ادامه قاضی دادگاه با حضور محمدثلاث در جایگاه از او خواست تا خود را معرفی کرده و درباره اتهامات خود توضیح دهد.

ثلاث با بیان اینکه از خداوند متعال برای خانواده‌های داغ‌دیده تقاضای صبر و برای خودم رحمت می‌خواهم، گفت: بنده چند وقتی بود که در گروه درویش بودم ولی درویش نیستم و اگرچه درویش من را قبول ندارند اما من آنها را دوست دارم. وی با اشاره به سخن بزرگ درویش گفت: درویش معتقدند زندگی جز صلح و دوستی و صفا چیزی نیست. من به اینها اعتقاد دارم البته در آن لحظه به علت عصبانیت برخلاف آن عمل کردم.

متهم پرونده شهادت سه مامور نیروی انتظامی با بیان اینکه ساکن تهران بوده است، گفت: من فرزند اسد [] ۵۰ ساله هستم که مدتی است متارکه کرده‌ام. ۱۲ سال است در تهران زندگی می‌کنم و شیعه ۱۲ امامی هستم.

ثلاث با اشاره به سوابق کیفری خود گفت: مدتی به دلیل اینکه ضامن فردی شده بودم در زندان حضور داشتم و پس از فروش اتوبوس و رد مال آزاد شدم. همچنین به دلیل حضور در درگیری‌های قم و اخلال در نظم عمومی بازداشت شدم. در سال ۸۸ هم به واسطه پیدا کردن مواد در اتوبوسم به زندان محکوم شدم.

وی با بیان اینکه شش ماه سابقه اعتیاد داشته است، گفت: کمتر از شش ماه مواد مصرف می‌کردم که توسط فقرا ترک کردم. همچنین در سال ۵۷ هم یک مورد اخلال در نظم عمومی و بانک داشتم که در آن زمان هم دستگیر شدم.

در ادامه قاضی کشکولی خطاب به ثلاث گفت: شغل شما چیست و آیا تلفن همراه دارید و از شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنید؟

ثلاث در پاسخ گفت: راننده اتوبوس هستم و بیماری روانی ندارم و سابقه بستری بودن به دلیل روانی بودن ندارم، تلفن همراه دارم اما از شبکه‌های مجازی استفاده نمی‌کنم.

وی در پاسخ به این سوال که محل سکونت شما در حال حاضر کجاست، گفت: به دلیل اینکه دستم شکست نتوانستم ۱۰ ماه سرکار بروم و ۱۰ ماه کرایه خانه‌ام ماند و صاحب خانه‌ام ۵ میلیون ودیعه را به عنوان کرایه خانه برداشت من هم اسباب و اثاثیه خانه را به زلزله‌زدگان اهدا کردم و دو ماه مکانی برای ماندن نداشتم. مدتی را نزد خانواده‌ام در بروجرد می‌ماندم و پس از آن هم ۱۵ روز در اتوبوسی که در گلستان هفتم پاسداران توقف کرده بود ساکن بودم.

در ادامه قاضی پرونده با طرح موقعی از پرونده محمد ثلاث گفت: براساس قرائن پرونده محمدثلاث متهم ردیف اول، متهم به قتل عمد رضا مرادی، رضا امامی از طریق حمله و برخورد با وسیله نقلیه در حین رانندگی با اتوبوس سفیدرنگ در خیابان گلستان هفتم پاسداران است. همچنین او متهم ردیف دوم پرونده به جرم اخلال در نظم عمومی از طریق ایجاد جنجال در خیابان گلستان هفتم پاسداران به همراه سایر افراد که در این اغتشاش حضور داشتند است.

سپس ثلاث با بیان اینکه اتهامات انتسابی را قبول ندارم خطاب به قاضی کشکولی گفت: نیروی انتظامی موظف است نظم را برقرار کند نه اینکه با چماق مردم را بزند. ۱۷ جای شکسته روی سر من وجود دارد آنها اول چندین ضربه به من وارد کردند و باعث عصبانیت من شدند.

وی با بیان اینکه نیروی انتظامی باید به نیروهای آموزش می‌داد که ما را کتک نزنند، گفت: شب پیش از حادثه یکی از برادران ایمانی‌ام به نام نعمت [] ریاحی با من بود اما صبح فردا او را به اتهام دزدی خودروی پراید دستگیر کردند. چگونه ممکن است شخصی که سه هکتار باغ دارد، خودرو بدزدد. سپس قاضی خطاب به ثلاث گفت: انگیزه شما از حضور در خیابان پاسداران چه بود؟

ثلاث پاسخ داد: دادستان شعبه سوم حکم جلب بزرگ درویش یعنی نورعلی تابنده را صادر کرده بود و قصد داشتند او را بازداشت کنند. درویش من را از خود نمی‌دانند اما ما بزرگمان را دوست داریم و نمی‌خواستیم قاضی این حکم را بدهد.

وی در پاسخ به این سوال که از چه طریق متوجه حکم جلب بزرگ درویش شده‌ای گفت: من در فضای مجازی حضور ندارم اما از طریق موبایل فقرا متوجه حکم جلب صادرشده برای بزرگ درویش شدم.

ثلاث خاطرنشان کرد: من سواد چندانی ندارم و چهار کلاس بیشتر درس نخوانده‌ام و از این چیزها سر در نمی‌آورم.

قاضی خطاب به ثلاث گفت: سه نفر در رابطه با اتهام شما فوت کردند آیا شما این موضوع را قبول دارید؟

ثلاث به قاضی گفت: من راننده اتوبوس بودم و مالک را نمی‌شناسم. آن اتوبوس در محل پارک بود. در شب حادثه هم سوئیچ روی اتوبوس قرار داده شده بود اما من از کسی اجازه‌ای برای این کار نگرفتم.

وی ادامه داد: من حدود ۱۵ روز بود که در اتوبوس حضور داشتم و صندلی‌هایم را باز کرده بودم تا بتوانم در آنجا استراحت کنم. دو الی سه روز قبل از حادثه صاحب اتوبوس به این کار ما اعتراض کرده بود و می‌خواستیم صندلی‌های اتوبوس را دوباره در سر جایش قرار دهیم.

قاضی کشکولی خطاب به ثلاث گفت: در اتوبوس لوازم آشپزخانه و استراحت و مواد غذایی کشف شده بود و از آن به عنوان مسکن استفاده می‌شده. آیا این موضوع را قبول دارید؟

ثلاث پاسخ داد: بله هر شب ۲۵ الی ۳۰ نفر از افراد مختلف در آنجا حضور داشتند که اهل تهران نبودند و برای زیارت در حسینه به تهران می‌آمدند و شب‌ها در اتوبوس می‌ماندند.

وی ادامه داد: در زمانی که اتوبوس را می‌راندم کسی سرنشین اتوبوس نبود و کسی به من نگفته بود که این کار را انجام دهم. من به دلیل ضرباتی که به سرم وارد شده بود عصبی بودم و از همین رو به سمت نیروی انتظامی حرکت کردم چون نیروی انتظامی من را کتک زده بود به سمت آنان اتوبوس را راندم و عصبی بوده و به حالت خود فکر نمی‌کردم.

متهم پرونده ادامه داد: به من می‌گفتند به این فکر نمی‌کردی که با این کار چهار خانواده را داغدار کرده‌ای؟ اما من می‌گویم آیا من به این فکر کرده بودم که بعد از پایین آمدن از اتوبوس چه بلایی بر سر من می‌آید؟ مسلماً نه. چون به شدت عصبی بودم و در آن لحظه اختیار در دست من نبود حتی جلوی پایم را نمی‌دیدم و از عصبانیت هیچ چیز نمی‌فهمیدم.

قاضی کشکولی خطاب به ثلاث گفت: آیا قبول داری سه نفر به دلیل عصبانیت تو به قتل رسیدند؟

ثلاث در پاسخ به قاضی کشکولی گفت: بله، نتیجه عملکرد من باعث شد سه نفر به قتل برسند.

در ادامه مستشار شعبه از ثلاث پرسید: شما ادعا می‌کنید به دلیل ضرباتی که به سرتان وارد شده بود به سمت نیروی انتظامی با اتوبوس حمله کردید، آیا دیگر دوستان شما در این غائله نبودند و کتک نخوردند؟

ثلاث پاسخ داد: من عصبانی شدم ولی آنها عصبانی نشدند.

منبع/ ایلنا

برچسب ها: [دراویش](#) [1]